

محمد حیدری

## کیسینجر و معمای ایران

یکی از افرادی که در صورت پیروزی مک کین در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ وارد کاخ سفید می شد، هنری کسینجر بود. کسینجر نفوذ زیادی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا دارد و جمهوریخواهان همواره از نظریات وی در سیاستگذاریهای کلان خود استفاده می کنند.
”هنری کیسینجر“ را بسیاری از کارشناسان نظام بین الملل یک تئورسین در عرصه جهانی می دانند. طرح ویتنامیزه کردن ویتنام و خروج نیروهای آمریکایی از این منطقه و نیز تأکید بر نظارت بیرونی بر فعالیتها و رخدادهای موجود در سایر کشورهای جهان در مقابل اشغال و مداخله نظامی مستقیم از جمله نظرات وی در عرصه نظام بین الملل محسوب می شود. وزیر امور خارجه اسبق آمریکا سخنان از لزوم تعامل آمریکا و ایران جهت حل بحران هسته‌ای موجود به میان می آورد و فضای چالش دو جانبه را در روابط تهران-واشنگتن مضموم و غیر مفید می داند.

وزیر امور خارجه اسبق ایالات متحده آمریکا حدود دو سال گذشته بزمانی که تقابل رایس و دیک چنی در کابینه دولت بوش پسر به نقطه اوج خود رسیده بود اظهارات قابل تأملی در خصوص ارتباط با ایران بر زبان رانده بود.

بر اساس نظر هنری کسینجر، آمریکا در تعامل جدید با ایران باید به دنبال منافع مشترک امنیتی با تهران باشد. کسینجر با اشاره به برقراری روابط دیپلماتیک بین واشنگتن و پکن در سال ۱۹۷۰ از مقامات آمریکایی خواسته است تا از چنین تعاملی در راستای تعامل با ایران درس بگیرند. کسینجر معتقد است یک ایران قوی و مرفه آمریکا را تهدید نمی کند، به شرط آنکه ایران از اقدامات متزلزل کننده خودداری کند. لابلته کسینجر از مداخله جویی های کاخ سفید در جمهوری اسلامی ایران سخنی به میان نیاورده است (وزیر امور خارجه اسبق ایالات متحده آمریکا در پایان اظهاراتش بر نکات دیگری تأکید کرده است:

ایران باید تشخیص دهد که نفع ملی اش با نفع ملی ما



مغایر نیست. اگر نگرانی ایرانی ها امنیت و توسعه کشورشان است، این با منافع آمریکائیز سازگاری باشد. هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که آمریکا تهدیدی برای امنیت ملی ایران باشد. اظهارات هنری کیسینجر در نگاه اول بسیار فریبنده است. به عبارت دیگر کلید واژه ”تعامل“ در ظاهر سخنان این مقام آمریکایی محوریت تام و کامل دارد. اما با کمی تأمل در رابطه میان کلمات و مهم تر از آن گذار به واقعیت جهان امروز منجره تناقضات زیادی در اظهارات کسینجر می شویم.

نکته اول اینکه مقایسه تعامل میان پکن و واشنگتن و تعمیم این الگو به الگوی تعامل میان ایران و آمریکا در هیچ گونه قالب منطقی قابل توجیه و تشریح نیست. هر چند در دهه ۱۹۷۰ پکن به علت حرکت به سوی قطبیت با آمریکا تقابلی نسبی داشت ولی این تقابل هیچ گاه به صورتی عینی و در سطح چالش میان ابزارهای طرفین (خصوصا بعد نظامی) تبدیل نشد. میان به کارگیری زبان تهدید تا به عینیت رسیدن تهدید فاصله بسیار زیاد است.
اماد در خصوص ایران موضوع کاملا متفاوت است. پس از سقوط رژیم منحوس پهلوی در ایران و پیروزی انقلاب اسلامی دولت و ملت ایران اسلامی همواره شاهد بروز تهدیدات عینی با مدیریت مستقیم واشنگتن بوده اند. در اینجا با بحث جلوی گیری از قطبیت اقتصادی ایران (همانند چین) مطرح نبود، بلکه ریشه اصلی به فعلیت رسیدن تهدیدات نظامی و استراتژیک علیه ایران در ترس دیرینه واشنگتن و غرب از بیداری اسلامی نشأت می گرفت. پس به طور کلی ریشه نگرانی آمریکا از فعالیتهای ایران و چین در سطح جهان متفاوت است.

از سوی دیگر حمایت از گر و ههای ضد انقلاب، بروز ۸سال جنگ تحمیلی با حمایت شرق و غرب و در رأس آن کاخ سفید، اعمال انواع فشارهای اقتصادی از سوی افرادی مانند ریگان، کارتر، بوش پدر و کلینتون و بوش پسر پس از پیروزی انقلاب اسلامی جنگلی موبد تفاوت اساسی میان تهران و پکن است. پس قیاس میان این دو تصمیم یک فرمول با اساسی متفاوت با فرمولی نانو شسته و نامعلوم به نام نحوه تعامل با ایران از سوی آمریکا در قالب چارچوب روابط بین الملل قابل توجیه نیست. در نوع و نحوه تصمیم فرمولوار مورد به موردی دیگر، باید ریشه و اساس آنها با همدیگر مشترک باشد اما در خصوص ایران و چین چنین قاعده ای صادق نیست. به علاوه اینکه چین در دهه ۱۹۷۰ با ایران در سال ۲۰۰۶ قابل قیاس نیست. ایران هم اکنون مولد قدرت اسلامی در خاور میانه محسوب می شود ولی چین در سال ۱۹۷۰ تنها یک قدرت ثابت و غیر پویا به شمار می رفت.

در نهایت اینکه هنری کسینجر نمیتواند الگوی رفتاری خود را بپکن راه بدهد و نهای مومکرات و جمهوریخواهی نسبت دهد. که از اداره حاکم ایالات متحده آمریکا نیز عاجز هستند. آن هم در حالیکه ایالات متحده آمریکا سخت ترین دوران حیات بین المللی خود را سپری می کند.



آمریکا در تب و تاب مذاکره با ایران

# حرکت زیگزاگی دموکراتها در جاده واشنگتن – تهران

سحاب فاطمی

نموده است که دولت او باما به گفتگو با ایران متعهد است اما ”مشاجرات داخلی“ در ایران، ”دنبال کردن هر گونه تعامل دیپلماتیک را برای تهران اگر غیر ممکن نکرده باشد، مشکل کرده است! با جمع میان دو اظهار نظر اخیر هیلاری کلینتون نتیجه می گیریم که دموکراتها سعی دارند تعامل و تقابل با تهران را بر اساس ماهیتی پارادوکسیکال تعریف نمایند. این دقیقا همان روشی بود که بوش پسر نیز مدتی آن را در پیش گرفت و در نهایت به اذعان جان بولتون شکست را در برابر تهران تجربه نمود. کاخ سفید از یک سو به حمایت از آشوبهای تهران می پردازد و از سوی دیگر سعی دارد خود را نسبت به گفتگو با جمهوری اسلامی ایران متعهد نشان دهد. همگان به یاد دارند که در روزهای نخست ناآرامی های تهران، ادبیت خصمانه کاخ سفید در قبال ایران تا چه اندازه ای گسترش یافته بود.

عقب نشینی کاخ سفید از مواضع سخت و اولیه خود در خصوص ناآرامی های تهران ، آن هم در عرض مدتی کوتاه حاکی از فقدان در استراتژی واحد در حزب دموکرات آمریکاست. به راستی میان لحن خشن و تهاجمی هیلاری کلینتون ، او باما و بایدن در خصوص انتخابات ریاست جمهوری دم و اقرآشان نسبت به تعهد ادامه مذاکرات با ایران چه همخوانی و سنخیتی وجود دارد؟ این دو کانگی رفتاری فرضیه ”ساده انگاری“ قابل یا جمهوری اسلامی در حزب دموکرات آمریکا را پر رنگ می کند. علی رغم اینکه هزینه و فایده یک رفتار باید قبل از آن سنجیده شود دموکراتها با موضع گیری شتابزده در خصوص حوادث اخیر ایران فرستها و برگ برنده های مذاکره با تهران را از دست دادند. مسلما ادامه حرکت دموکراتها در قالبهای پارادوکسیکال هزینه

شکستهای بین المللی آنها را سنگین تر می کند. رفتار عجولانه سران حزب دموکرات در خصوص نحوه رفتار با تهران این در حالی بود که زیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی سابق ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری

### کاخ سفید در کنار مداخله جویی آشکار خود در امور داخلی کشورمان سعی دارد به طور همزمان سیگنالهای مذاکره با تهران را نیز مخابره نماید

### او باما در ابتدای دوران ریاست جمهوری خود تعهد داده بود که در مسائل داخلی کشورمان دخالت نکند اما در جریان ناآرامی های تهران این تعهد خود را به صورتی ناشیانه زیر پا گذاشت

کارتر و یکی از مشاوران ارشد او باما در عرصه سیاست خارجی آمریکا صراحتا نسبت به رفتارهای نادرست غرب در خصوص تقابل با ایران هشدار داده بود چر این هشدار از سوی او باما و هیلاری کلینتون جدی گرفته نشد؟ مگر در دوران مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۸ و قبل از آن، باراک او باما و جوزف بایدن در مقام دو سناتور مخالف روشهای بوش و نومواظفه کاران در قبال جمهوری اسلامی

ایران نبوده اند؟ پس چرا رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا همان اشتباه دوران بوش را با شدتی بیشتر تکرار می کنند؟ هیلاری کلینتون از تعهد او باما نسبت به مذاکره با تهران سخن گفته است. گویا وزیر امور خارجه ایالات متحده که بر اساس تصفیه حساب درون حزبی خانواده کلینتونها با او باما در این مسند حضور دارد دو طرفه بودن بازی ”تهران- واشنگتن“ را فراموش کرده است. به عبارت بهتر، ایالات متحده آمریکا در نهایت متضمن رفتار، گفتار و عملکرد خود در عرصه بین المللی و حق تعیین تکلیف برای واکنش یا حتی کنش اولیه طرف مقابل را ندارد. چنین قاعده ای در خصوص جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان پاسخگو نیست. اقرار ایالات متحده نسبت به تعهدی که در قبال کشورمان دارد مولد هیچ گونه تکلیفی برای جمهوری اسلامی ایران نیست. اما مسئله اصلی در خصوص نفس کلمه ”تعهد“ و مقتضیات آن می باشد. هیلاری کلینتون و اعضای دولت او باما احتمالا از بار حقوقی و سیاسی مترتب بر کلمه تعهد ناآگاه هستند. او باما در ابتدای دوران ریاست جمهوری خود تعهد داده بود که در مسائل داخلی کشورمان دخالت نکند اما در جریان ناآرامی های تهران این تعهد خود را به صورتی ناشیانه زیر پا گذاشت. البته این تنها یک مثال است اگر نه پشت پا زدن کاخ سفید به تعهدات خود در خصوص بستن زندان گوانتانامو، خروج از عراق، کاهش تنش ها در افغانستان و.... و جنگلی مصادیق بی تعهدی دولت دموکرات او باما در نظام جهانی محسوب می شود. در همه این موارد رئیس جمهور آمریکا باید نسبت به اعراض از تعهداتی که به مردم آمریکا و جهان داده است پاسخگو باشد.



تصویب شده است. تبدیل این طرح به قانون به تأیید مجلس نمایندگان و اعضای رئیس جمهوری آمریکا نیاز دارد. اگر چه ایران یکی از بزرگترین تولید کنندگان نفت خام است، حدود ۴۰ درصد از نیاز خود به بنزین را از راه واردات تأمین می کند. طرح تحریم شرکت های صادر کننده بنزین به ایران پس از نشست گروه ۲۰ که در ماه سپتامبر (شهریور) برگزار می شود، اجرا خواهد شد. آنچه مسلم است اینکه جمهوری اسلامی ایران همچنان به مسیر پر صلابت خود در مواجهه با تهدیدات خارجی ادامه می دهد و هرگز از حقوق حقه هسته ای خود نیز نمی گذرد. مسئله ای که بالاخره غرب ناچار است آن را درک نماید.

او باما همچنان سر در گم است

# چشمان بسته دموکراتها

حسین کاظمی

گویا حزب دموکرات نمی خواهد چشمان خود را نسبت به وقایع جاری در نظام بین الملل باز نماید. حتی دموکراتها نظم درون حزبی جمهوریخواهان را نیز ندارند و سعی دارند با موتور بروی جریانهای سیاسی به وجود آمده در آمریکا و نظام بین الملل، تداوم قدرت خود را تضمین نمایند. دموکراتهای کاخ سفید پیام اصلی برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ایران یعنی حضور ۴۰ میلیونی مردم در انتخابات ریاست جمهوری دم و را نادیده انگاشتند و به ارسال سیگنالهای فریبنده و اغراق آمیز از اوضاع داخلی کشورمان بسنده نمودند. به نظر می رسد سران حزب حاکم ایالات متحده جلوی ترک پیله‌ها به تحریف پدیده های ”وارانه تفسیر کاذب بر پایه همان نگاه انحرافی پرداخته اند. نتایج و عواقب چنین تفسیر و ارونه ای کاملا مشخص

است. غرب به جای تکیه بر ”شناسایی ایران

قدرتمند“ همان راه کج می سال گذشته را در پیش گرفته است. این راه کج مقصدی جز شکست کاخ سفید نخواهد داشت. تقابل با جمهوری اسلامی در ایران در اظهارات باراک او باما و همراهانش که با ادعای تغییر در سیاست خارجی ایالات متحده و بهبود وجهه آسیب دیده این کشور وارد کاخ سفید شده اند کاملا به چشم می خورد. رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا از یک سو اعلام نموده است که نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران تفاوتی برای واشنگتن ندارد اما معاون و وزیر امور خارجه وی اعلام کردند که از اوضاع داخلی ایران و آشوبهای صورت گرفته نگران هستند و حوادث کشورمان را با دقت رصد می کنند! این نوع رفتار در ادامه همان رفتار ایالات متحده آمریکاطی سه دهه اخیر تعریف می شود.

ای کاش لااقل سیاستمداران آمریکایی به هشدارهای برژینسکی در خصوص لزوم شناسایی ایران قدرتمند توجه می کردند. اخیرا زیگنیو برژینسکی مشاور ارشد ایالات متحده کارتر و یکی از کلیدی ترین اعضای کادر مشاوره باراک او باما اخیرا جمله قابل تأملی در خصوص انتخابات ایران بر زبان رانده است که مر و آن، اقلا برای باراک او باما خالی از تأمل نخواهد بود:

”مسائل به وجود آمده پس از انتخابات اخیر ایران قطعا با درایت و هوشمندی رهبری این کشور مدیریت و حل خواهد شد. به نظر من نظام ایران، این مسئله را نیز به خوبی حل خواهد کرد. هر گونه دخالت ایالات متحده آمریکا در قبال ایران سبب واکنش متقابل این کشور خواهد شد.“

هم اکنون افراط گرایان دو حزب جمهوریخواه و دموکرات به تازگی نسبت